

درباره پیش نویس جدید لایحه قانونی چک

اکبر پیروفر

اشاره

در شماره ۹۸ مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ مطالب و نکاتی که در مورد لایحه اولیه چک مشتمل بر هفت فصل و ۴۲ ماده به نظر رسیده بود، ذیل عنوان "سرگذشت یک برگ کاغذ" درج گردید. پس از آن، پیش نویس لایحه دیگری مشتمل بر ۲۲ ماده منتشر شد (روزنامه اطلاعات مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۸۸). این لایحه که با مشارکت قوه قضاییه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و بانک‌های عامل تهیه شده است، در اواخر اردیبهشت ماه پس از گذراندن مراحل نهایی، برای بررسی در مجلس شورای اسلامی در اختیار دولت قرار گرفت.

ارایه ندادن دسته چک جدید به مشتریان بد حساب با سابقه چک برگشتی و درج مشخصات کامل صاحب حساب بر روی برگه‌های چک، از جمله مواردی است که لایحه جدید چک به آنها پرداخته است. مسوولان قوه قضاییه هم معتقد هستند که تصویب این لایحه در مجلس و اجرای آن، مشکلات متعددی را در این زمینه رفع خواهد کرد و تنها راه برون رفت از وضع موجود، توجه به تمهیدات لازم در ارایه دسته چک به متقاضیان است.

البته در این پیش نویس، مجازات صدور چک بدون محل حذف شده، اما از نکات مثبت آن، حذف انواع چک‌های ابداعی (وعده دار، مشروط، تضمینی و غیره) و هم چنین موضوع پرداخت وجه چک‌های بدون محل توسط بانک محال علیه می‌باشد.

در هر حال، نسبت به این لایحه هم مطالب گفتنی وجود دارد که ذیلاً به ذکر آنها می‌پردازیم.
بانک و اقتصاد

مسوولان قوه
قضاییه معتقدند که
تنها راه برون رفت
از وضع موجود،
توجه به تمهیدات
لازم در ارایه دسته
چک به متقاضیان
است.



* ماده یک لایحه جدید چک به تعریف چک پرداخته و برای توضیح بیشتر، یک تبصره دارد، اما ضروری است که یک تبصره دیگر به عنوان تبصره ۲ به این شرح به ماده یک اضافه شود:

تبصره ۲: چک می‌بایست به تاریخ روز صادر شود و قید تاریخ مؤخر بر تاریخ تحریر در چک ممنوع است. هرگاه چک دارای تاریخ مؤخر به بانک ارایه شود، بانک به آن ترتیب اثر نمی‌دهد و در صورت داشتن محل، قابل پرداخت خواهد بود. با الحاق این تبصره به ماده ۱، ماده ۲ که موهوم صدور چک وعده‌دار است، حذف شدنی است.

* در ماده سه، گواهی عدم پرداخت چک تعریف شده است، اما باید تبصره ۱ ماده ۳ به این مضمون اصلاح شود: تبصره ۱: گواهی عدم پرداخت به تاریخ ارایه چک به بانک محال علیه صادر می‌شود. هرگاه چک بعد از تاریخ مندرج در آن به بانک ارایه شود و محل نداشته باشد، وضعیت موجودی حساب در تاریخ چک نیز باید در گواهی عدم پرداخت قید گردد. لازم به توضیح است که این قید به



چک می بایست به تاریخ روز صادر شود و قید تاریخ موخر بر تاریخ تحریر چک، ممنوع شود.

که گواهی عدم پرداخت هم به نام او صادر شده است، پرداخت گردد. این امر الزاماً نیاز به تصریح در تبصره ۳ دارد.

* ماده ۴ لایحه جدید چک مربوط به لازم‌الاجرا بودن چک و وصول وجه چک از طریق اجرای ثبت می‌باشد. با توجه به این که در آیین‌نامه جدید اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب سال ۱۳۸۷، مواد ۱۸۳ تا ۱۹۳ آن مربوط به این موضوع می‌باشد، لهذا می‌بایست در ماده ۴ تصریح شود که صدور اجراییه برای وصول وجه چک از طریق اجرای ثبت، براساس مفاد آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا خواهد بود.

توضیحاً ماده ۱۹۲ آیین‌نامه مربوط به چک‌های وعده‌دار می‌باشد که اصولاً صدور چک وعده‌دار مورد تأیید نویسنده نبوده و نیست و با توجه به این که انواع چک‌های گوناگون، از جمله چک‌های وعده‌دار که قبلاً بوده، در لایحه جدید حذف شده‌اند، لهذا ماده ۱۹۲ نیز قابل الغا می‌باشد.

* ماده ۵ لایحه مورد بررسی بانک را مکلف می‌کند که با

آن جهت است که با توجه به ماده ۸ لایحه، معلوم گردد که چک در تاریخ تحریر محل داشته است یا خیر؟

* موضوع تبصره ۳ ماده ۳ مطلب جدیدی است که در لایحه آمده است و تازگی دارد. این تبصره امکان تأمین وجه در حساب جاری پس از صدور گواهی عدم پرداخت را پیش‌بینی کرده است. بدیهی است که اجرای صحیح و دقیق این تبصره، مستلزم آن است که سیستم عملکرد بانک به نحوی تنظیم گردد که به راحتی معلوم باشد که چند فقره چک بدون محل و یا کسر موجودی عهده حساب جاری مشخصی به شعبه ارایه شده است تا بانک بتواند به دارنده چک اعلام کند. موضوع قابل توجه و دقت در این تبصره اینست که ممکن است چنین چک‌هایی پس از برگشت از بانک، مورد نقل و انتقال قرار گیرند و اشخاص سودجو به امید این که در اجرای تبصره ۳، چک محل پیدا کند، چک را به بهای نازل از دارنده اصلی بخرند. برای جلوگیری از این پیش‌آمد لازم است که وجه چک یا مبلغ کسری آن فقط به دارنده اولیه چک



**ماده ۶ لایحه حاکی
از آن است که چک
می بایست در دو
نسخه تنظیم گردد و
دریافت کننده چک
هم می بایست
دریافت چک را در
نسخه ثانی تایید و
گواهی نماید!**

مرکزی را رعایت نکرده است. اگر تنبیه متناسبی هم مورد نظر باشد، می بایست در ماده ۵ منظور شود. درگیر کردن بانک با دارنده چک در مورد خسارت و غیره که نیاز به اثبات دارد، موجه به نظر نمی رسد. ضمناً صاحب حسابی هم که برخلاف مقررات بانک مرکزی دارنده حساب جاری شده و چک بدون محل صادر کرده است، می بایست رأساً و شخصاً در مقابل دارنده چک پاسخگو باشد. برخورد با نظام بانکی کشور در مواردی مانند آن چه در پایان ماده ۵ مطرح شده، چندان به صلاح بانک های کشور نمی تواند باشد. یادآور می شود که کلمه "جدید" در صورتی می تواند صحیح باشد که حساب جاری قبلی بسته شده باشند و بانک حساب جاری جدیدی را باز کند.

* در تبصره ۲ ماده ۵ به منع یا موانع مدیران یا نمایندگان اشخاص حقیقی و حقوقی برای افتتاح حساب و دریافت دسته چک اشاره دارد. مسأله "منع" مدیران یا نمایندگان دارای ابهام می باشد. تشخیص این مسأله با کیست و کدام مرجع مسوول می باشد؟ چه موانعی موجب خواهند شد که مدیر یا نماینده ای نتواند سمت و صلاحیت قانونی خود را برای افتتاح حساب جاری به نام ثالث اعمال کند؟ تشخیص این امر را نمی توان به عهده بانک گذاشت. به عبارت دیگر، اتخاذ یک رویه واحد برای تمام بانک ها لازم است.

* ماده ۶ حاکی از آن است که چک می بایست در دو نسخه تنظیم گردد و دریافت کننده چک، دریافت چک را در نسخه ثانی تایید و گواهی نماید. بدون تردید، اجرای این امر، مستلزم آن است که صاحب حساب و صادرکننده چک، در حضور همدیگر باشند تا طرف مقابل، دریافت چک را در نسخه ثانی آن تایید کند، بنابراین، دریافت کننده چک باید به حضور صاحب حساب برسد یا صاحب حساب برای دادن چک به محل کار یا سکونت گیرنده چک برود. این کار چه ضرورت و فایده ای دارد؟ و آیا دریافت کننده چک که الزاماً می بایست برای دریافت وجه آن به بانک مراجعه کند، می تواند منکر دریافت چک بشود؟ و به همین ترتیب، صاحب حساب هم در صورت نیاز می تواند از بانک محال علیه تحقیق کند که چک را در وجه چه کسی صادر کرده است. برگ چک به هر ترتیبی که بین طرفین مقرر باشد، در دسترس دریافت کننده چک قرار می گیرد. رایج کردن روش مذکور در تبصره ۱ رفت و آمدهای زاید درون شهری را موجب می شود و به نظر می رسد که مسوولان و متصدیان ترافیک شهرها هم فعلاً از چنین محصول نوظهور و جدیدی خبر ندارند، وگرنه حتماً به مخالفت بر می خاستند!

شایان ذکر است که معمولاً صدور چک ها از دسته چک تحویلی به صاحب حساب در بانک منعکس می شود و بانک مطلع می باشد که چند برگ از دسته چک قبلی صادر شده و چند برگ نزد صاحب حساب باقی است.

* ماده ۷ لایحه وضع جدیدی را اعلام می کند مبنی بر اینکه بر روی هر یک از برگ های چک حداکثر مبلغ قابل پرداخت و مدت اعتبار صدور آن قید شود... تعیین شیوه این کار

استعلام از بانک مرکزی از عملکرد مالی - بانکی متقاضی افتتاح حساب جاری استعلام کند. در صورتی که متقاضی دارای سابقه صدور چک بلامحل باشد، بانک مجاز به افتتاح حساب جاری جدید برای متقاضی نمی باشد. ضمانت اجرای افتتاح حساب جاری، یعنی عدم رعایت در واقع دستور بانک مرکزی هم مسوول شناختن بانک متخلف در برابر دارنده چک می باشد.

در این رابطه سه مطلب قابل توجه به نظر رسیده است: اول اینکه، کلمه "جدید" زاید است، زیرا مضمون ماده ۵ درخواست افتتاح حساب از ابتدا می باشد نه اینکه متقاضی حساب داشته باشد و بخواهد حساب جدیدی باز کند؛ دوم، به فرض اینکه بانک تخلف کرد و حساب را افتتاح کرد و چک هم صادر شد، این چک اگر محل داشت و پرداخت گردید، اتفاق سویی رخ نداده است که بانک هم مسوول شناخته شود؛ سوم اینکه، هرگاه حساب جاری افتتاح شد - ولو اینکه چکی هم صادر نشد - بانک می بایست در قبال بانک مرکزی مسوول شناخته شود، زیرا دستورالعمل بانک



باید هرگونه قید و شرطی که در متن چک نوشته شود، بلااثر اعلام شود و بانک هم باید در صورت داشتن محل، وجه آن را بپردازد.

شخص، هویت کامل او را در پشت چک قید و گواهی عدم پرداخت صادر کند... در این جا وجود عبارت "در صورت تقاضای شخص" موهم این معنی است که دارنده چک شخصاً به باجه بانک محال علیه مراجعه می کند، در صورتی که حالت دیگری هم وجود دارد که دارنده چک وجه چک را از طریق شعبه دیگر آن بانک یا بانک های دیگر (دارنده حساب جاری) و بدون مراجعه به این بانک در جریان وصول قرار می دهد. در نتیجه، ماده ۹ حالت دوم را نمی رساند و رفع نقص از این ماده ضرورت دارد.

* ماده ۱۰ مربوط به تکلیف بانک محال علیه به اعلام قابل پرداخت نبودن چک به بانک مرکزی است. در این جا به جای عبارت "هرگاه بانک محال علیه متوجه شود که چک ارایه شده به بانک به علتی از علل مندرج در ماده ۸ این قانون قابل پرداخت نیست" عبارت ساده تری با این شرح پیشنهاد می شود: "هرگاه چک ارایه شده به بانک به علتی از علل مندرج در این قانون قابل پرداخت نباشد..."

* بند "ه" ماده ۱۱ مربوط به اعمال اقداماتی علیه صادر کننده چک بدون محل است و موضوع استرداد دسته چک های بانک محال علیه (دارنده حساب جاری) و سایر بانک ها نیز مطرح شده است. این امر نیاز به تفکیک دارد، به این معنی که استرداد دسته چک بانک دارنده حساب باید به عهده همین بانک و کنترل و استرداد دسته چک دیگر بانک ها به عهده بانک دارنده حساب یا ترجیحاً به عهده بانک مرکزی گذاشته شود.

* در بند "و" ماده ۱۱ درج سابقه صدور چک بلامحل بر روی تمامی برگ های چک برای یک سال، موجب هتک حرمت اشخاص بوده و کاری غیراخلاقی است. صادرکننده چک بدون محل، هم کیفر عمل خود را می بیند و هم محرومیت های مندرج در ماده ۱۱ را متحمل می شود. بدیهی است که چک متضمن اعلام مذکور را کسی از صادرکننده و صاحب حساب نمی پذیرد. بنابراین، حذف بند "و" همچنین تبصره ۴ ماده ۱۱ مربوط به آن پیشنهاد می شود. * تبصره ۲ ماده ۱۱ مقرر می دارد که بانک محال علیه مبلغ پرداخت نشده چک را از حساب صادرکننده نزد سایر بانک ها برداشت کند و به دارنده چک بپردازد. این امر خارج از حدود وظایف بانکی است و بانک را نباید وارد این قبیل مسایل کرد. بنابراین، حذف این تبصره پیشنهاد می شود. بدیهی است

به موجب تبصره همین ماده موکول به تدوین آیین نامه ای شده که می بایست ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط بانک مرکزی تهیه شود و به تصویب هیات دولت برسد. بر طبق ماده ۲۲ نیز این قانون سه ماه پس از تصویب لازم الاجرا خواهد شد و تا لازم الاجرا شدن آن، وزارتخانه های دادگستری و امور اقتصادی و دارایی و سایر مراجع مربوط با همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلفند مقدمات اجرایی آن از قبیل تهیه آیین نامه اجرایی، تمرکز اطلاعات راجع به حساب های جاری موجود، تهیه و تنظیم متن چک های طرح جدید و طراحی شبکه الکترونیکی چک را فراهم کنند.

نتیجه این که قبل از ملاحظه متن تبصره ماده ۷ اظهار نظر در مورد شیوه جدید از قبیل تعیین مبلغ قابل پرداخت هر برگ چک براساس توانایی مالی متقاضی، نوع رنگ بندی براساس اعتبار چک و حداکثر مهلت صدور آن، مقدور نیست و تاجزییات کار مشخص نشود، نمی توان کاری انجام داد. اما در فاصله بین لازم الاجرا شدن قانون پس از سه ماه از تصویب و لزوم تدوین آیین نامه مورد بحث در سه ماه پس از تصویب قانون، این آیین نامه می بایست در معرض افکار عمومی قرار بگیرد و بعید هم نیست که پاره ای از مسایل بعدی نیاز به قانون داشته باشند.

* در ماده ۸ لایحه این جمله آمده است: «صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن، معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمامی یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد...» در این جا باید عبارت "تاریخ مندرج در آن" به عبارت "در تاریخ تحریر چک" تغییر داده شود. علت این پیشنهاد هم این است که تمام شبهات صدور چک وعده دار از بین برود.

عبارت مذکور در ماده ۸ موهم این مطلب است که چکی به تاریخ مؤخر صادر شود و ملاک داشتن موجودی به جای تاریخ تحریر، تاریخ مندرج در چک باشد. ضمناً قبلاً هم گفته شد که چک می بایست به تاریخ روز تحریر باشد.

* مطابق تبصره ماده ۸ هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. ظاهر این تبصره، چک های مشروط را در بر می گیرد. اما برای تعمیم این تبصره به چک های خارج از محدوده و قلمرو ماده ۱ لایحه که مقرر داشته صادرکننده وجوهی را که نزد بانک محال علیه دارد، کلاً یا بعضاً دریافت یا به دیگری واگذار می نماید، و هم چنین برای از بین بردن تمام رفتارهای موجود در معاملات و بده و بستان در مورد صدور چک های ابداعی خلاف قانون رایج در جامعه از قبیل چک های وعده دار، تضمینی، مشروط، امانی و غیره، اصلاح تبصره مذکور به این شرح پیشنهاد می شود: "هر شرط یا قیدی در متن چک نوشته شود، قابل ترتیب اثر در بانک نبوده و بانک در صورت داشتن محل، آن را پرداخت خواهد نمود." نتیجه این که یک نوع چک و آن هم چک منطبق با ماده ۱ لایحه رایج و معمول می گردد.

* ماده ۹ مربوط به مواردی است که وجه چک پرداخت نمی شود و بانک مکلف شده است که در صورت تقاضای

که دارنده چک از طریق مراجع قانونی می‌تواند اقدام نماید.
* ارایه لاشه چک توسط صادرکننده که در تبصره ۳ ماده ۱۱ پیش‌بینی شده است، دلیل محکمی برای معافیت وی از اقدامات مذکور در ماده ۱۱ محسوب نمی‌شود. حذف این قسمت پیشنهاد می‌شود.

* از تبصره ۶ ماده ۱۱ دلیل اینکه در صورت رجوع دارنده چک به بانک پس از انقضای مدت شش ماه از تاریخ مندرج در چک، اقدامات موضوع ماده ۱۱ نسبت به صادرکننده چک اعمال نخواهد شد، استنباط نشد. علاوه بر این، چه فرقی بین قبل از شش ماه و بعد از شش ماه وجود دارد؟ اصولاً شش ماه بر چه پایه و اساسی مقرر شده است؟

* ماده ۱۲ مربوط به الزام صادرکننده چک بدون محل به مسترد نمودن دسته چک بانک محال علیه یا بانک‌های دیگر است. لازم به توضیح است که استرداد دسته چک‌های سایر بانک‌ها را می‌بایست به عهده بانک دارنده حساب یا ترجیحاً به عهده بانک مرکزی گذاشت.

* به نظر می‌رسد که در ماده ۱۳ مربوط به تکلیف بانک مرکزی یا سایر مراکز در اعلام صدور چک بدون محل به تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، مرجع صالح خود بانک مرکزی است و دخالت دادن مراکز دیگر، حضور سایر نهادها در سیستم بانکی کشور را سبب خواهد شد که چه بسا ممکن است صلاحیت و اطلاعات مربوط به امور بانکی را نداشته باشند.

* در تخلف بانک، یعنی دادن دسته چک جدید موضوع ماده ۱۴ پس از وصول اعلام مذکور در ماده ۱۳، دو حالت ممکن است اتفاق بیفتد: اول این که، صاحب حساب از دسته چک استفاده کرد و چک صادر نمود و چک هم محل داشت و پرداخت شد. در این صورت، خسارتی متوجه دارنده چک نمی‌شود تا بانک هم مسئولیت تضامنی داشته باشد؛ دوم اینکه، چک صادر کرد و محل نداشت. در این صورت، طرف دارنده چک، صادرکننده است، هم در مورد وجه چک و هم خسارتی که ماده ۱۴ عنوان کرده و این خسارت نیاز به اثبات دارد که فرضاً بانک هم مسئولیت تضامنی با صادرکننده پیدا کند. در این حالت، نباید بانک را در مقابل و طرف دعوا و مطالبه دارنده چک قرارداد. بانک در هر دو حالت از مقررات بانکی تخلف کرده و پاسخگوی بانک مرکزی است. ضمناً تنبیه یا مجازات متناسبی را هم می‌بایست در قانون پیش‌بینی کرد و اعمال نمود.
به علاوه فرض ماده ۱۴ بر بدون محل بودن چک جدید گذاشته شده و یک طرفه است و جامع نیست.

* فرض ماده ۱۵ این است که ممکن است چکی محل داشته باشد، ولی بانک محال علیه بدون موجب قانونی از پرداخت آن خودداری کند. معلوم نیست که این فکر از کجا پیدا شده است؟ به علاوه بکار بردن فعل به صورت جمع نشان می‌دهد که بانک نه تنها مسوول در برابر دارنده چک است، بلکه مسوول خسارت وارده شده به اشخاص، آن هم نه یک نفر و نه دو نفر... می‌باشد!

* درباره ماده ۱۷ مربوط به صدور دستور عدم پرداخت وجه چک به جهات مفقود شدن، سرقت، جعل، کلاهبرداری،

خیانت در امانت و جرایم دیگر، نکات ذیل را یادآور می‌شود:
- هرگاه منظور از عبارت "صاحب حساب یا صادرکننده" در شروع ماده ۲ شخص باشد، یعنی صادرکننده وکیل یا نماینده صاحب حساب قلمداد شده است، و عبارت "یا قائم‌مقام قانونی آنها" که کلمه "آنها" به صورت جمع وجود دو شخص را می‌رساند، بحثی نیست. اما باید توجه داشت که آیا قائم‌مقام قانونی وکیل یا نماینده صاحب حساب دارای اختیار لازم برای صدور دستور عدم پرداخت وجه چک هستند یا نه؟ علاوه بر این، آیا احراز اختیار و صلاحیت قائم‌مقام به عهده بانک قرار نخواهد گرفت؟ در غیر اینصورت، برای رفع هرگونه شبهه، شایسته است که صدور دستور عدم پرداخت فقط در صلاحیت فرد صاحب حساب باشد، ولو این که چک را وکیل یا نماینده قانونی او صادر کرده باشد.

- موضوع ربا هم در ماده ۱۷ مطرح شده است. به نظر می‌رسد که جایگاه چک صادر شده بابت ربا ماده ۱۷ نیست. وقتی که صاحب حساب یا صادرکننده چک، عالم به ربوی بودن وجه چک بوده، چگونه چکی را صادر کرده و سپس دستور عدم پرداخت آن را صادر می‌کند؟ در نتیجه، بهتر است که مسأله ربا و یا معامله ربوی تابع احکام خاص خود باشد و وارد مقررات صدور چک، آن هم ماده ۱۷ نشود، زیرا در حالات دیگر ماده مزبور، صاحب حساب یا صادرکننده دخالتی ندارد و در مقابل عمل انجام شده مثل سرقت چک، جعل، کلاهبرداری و خیانت در امانت قرار می‌گیرد، اما در ربا، صادرکننده یا صاحب حساب عالم به ربا بوده که دستور عدم پرداخت را به بانک می‌دهد.

- با توجه به اینکه به موجب تبصره یک این ماده، بانک مکلف شده است که وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید، دو نکته به نظر رسیده است: اول اینکه، هرگاه حساب موجودی نداشت تا بانک بخواهد آن را در حساب مسدودی نگهداری نماید، اصولاً پذیرفتن چنین دستوری عدم پرداختی از طرف بانک معقول نخواهد بود؛ دوم اینکه، در فرض بدون محل بودن چک، صاحب حساب اختیار داشته باشد که بعداً وجه چک را در حساب جاری خود تأمین نماید تا در صورت عدم اثبات ادعای خود که دارنده چک محق به دریافت وجه چک خواهد بود، اولاً، صاحب حساب مواجه با کیفر صدور چک بدون محل نشود؛ ثانیاً، دارنده چک نیز به حقوق قانونی خود برسد.

- با توجه به ماده ۸ لایحه که صادرکننده چک را از صدور دستور عدم پرداخت وجه چک منع کرده است، اختیار صادرکننده در موضوع صدور دستور عدم پرداخت باید منحصر و محدود به ماده ۱۷ باشد که موجب استحکام بیشتر چک خواهد شد.

* لازم است که مضمون ماده ۱۸، یعنی مواردی که دعوای حقوقی یا شکایت موضوع ماده ۱۷ مطرح شده و دسترسی به صاحب حساب ممکن نیست و آخرین نشانی او در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی محسوب گردد، به تمام مواردی که اقدام قضایی - اجرایی علیه صاحب حساب به عمل می‌آید، تعمیم داده شود.

**درج سابقه صدور
چک بلامحل بر روی
تمامی برگ‌های چک
برای یک سال،
موجب هتک حرمت
اشخاص بوده و
کاری غیر اخلاقی
است.**